**نقش هنرمندان دوره تیموری در حفظ هویت ایرانی و اسلامی(با تاکید بر هنرمندان خطاط و نگارگر)**

ولی دین پرست[[1]](#footnote-1)

**چکیده**

آثار هنری باقی مانده از دوره تیموریان بخصوص در خطاطی و نگارگری نشان می دهند که هنرمندان ایرانی تلاش کرده اند از طریق خلق زیباترین آثار هنری ضمن آن که عظمت و شکوه حکومت تیموریان را نشان دهند با تولید آثار هنری به حفظ هویت فرهنگی ایرانی و اسلامی و تداوم آن نیز کمک کنند. حفظ و تداوم هویت ایرانی و اسلامی در دوره تیموریان هر چند از طریق هنرهای مختلف مانند خطاطی، نگارگری، تذهب، تجلید و معماری انعکاس یافته اما درعرصه هنر خطاطی و نگارگری این نقش بیشتر نمود یافته است. نسخه برداری از کتب ادبی مانند شاهنامه فردوسی، گلستان و بوستان سعدی و کلیله و دمنه، معراج نامه پیامبر اسلام(ص) و دهها اثر دیگر از سوی خطاطانی مانند سلطان علی مشهدی، محمود هروی، علی حسینی، جعفری بایسنغری و... که محتوای آنها در تبیین فرهنگ و مذهب ایرانی بوده، به همراه تصاویر زیبایی از داستانهای حماسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی که از سوی نقاشانی مانند مظفر علی، قاسم چهره گشا، کمال الدین بهزاد و... به تصویر کشیده، تماما در راستای حفظ هویت فرهنگی و مذهبی ایرانی و اسلامی عرضه شده است.

در این مقاله تاثیرهنر دوره تیموری بخصوص در خطاطی و نگارگری در حفظ هویت ایرانی با استناد به آثار هنری و منابع تاریخی به روش تحلیلی و توصیفی مورد بررسی قرار گرفته و در نتیجه نشان داده شده است که ایرانیان هر چند در جنبه نظامی از لشکریان تیمور شکست خوردند اما هنرمندان ایرانی در جبهه فرهنگی نه تنها جانشینان تیمور را جذب هنر ایرانی و اسلامی کردند بلکه از این طریق به حفظ هویت ایرانی و اسلامی کمک موثری نمودند.

**واژگان کلیدی**: هنرمندان، خطاط، نگارگر، تیموریان، هویت ایرانی و اسلامی

**مقدمه**

پیوند میان هویت و فرهنگ چنان عمیق است که اغلب هویت را پدیده ای فرهنگی می دانند و برای فرهنگ، شان مستقلی در هویت قائل می شوند. می توان گفت فرهنگ عبارت است از هر آن چیزی که کسب می کنیم، می آموزیم، می توانیم انتقال دهیم. جوهره اصلی فرهنگ همان علائم، اندیشه ها و روابط منطقی و گفتمانی است که به طور تحلیلی در حوزه های تمثال، شخص، نماد، باور، ارزش، تکلیف، فن، نفع معرفتی، کنش ارزشی، کنشگر، رابطه منطقی، رابطه گفتمانی تقسیم می شود. در هویت فرهنگی مولفه های مختلف مانند زبان، دین، جغرافیای فرهنگی، تاریخ، حافظه فرهنگی و نظام اجتماعی مورد بحث قرار می گیرند. هر کدام از این مولفه ها در طول تاریخ تاثیر زیادی در پیوند های مشترک فرهنگی بین ایرانیان داشته اند. زبان نوشتاری یا خط یکی از این مولفه های مهمی است که در دوره تیموریان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. اسناد، مکاتبات، متون رسمی و کتاب های درسی با این زبان نوشته می شد. دین اسلام از دیگر مولفه های هویت فرهنگی است که به عنوان آئین مشترک بیشتر ایرانیان در وحدت بخشی آنان تاثیر بسزایی داشت.

تاریخ فرهنگی ایران یکی از منابع مهم هویت بخشی در طول انباشت تجارب ایرانیان به شمار می رود که نه تنها ایران باستان بلکه ایران اسلامی را نیز در بر می گیرد. آثار تاریخ فرهنگی مانند شاهنامه ابومنصوری، شاهنامه فردوسی و خدای نامک ها در ایجاد پیوند فرهنگی بین دو دوره پیش از اسلام و پس از اسلام در جهت حفظ هویت ایرانیان نقش مهمی ایفا کردند. با توجه به این که دوره تیموریان از دوره های برجسته هنر ایرانی است. تیمور و جانشینانش سیاست حمایت از هنر و هنرمندان را در پیش گرفتند. آنان هنرمندان را از سرزمین ها مختلف در مرکز حکومت خود گرد آوردند تیموریان از هنر در جهت اهداف و مقاصد سیاسی خود سود جستند اما در هر حال سیاست هنر دوستی آنان از طریق توسعه انواع هنر ها مخصوصا خوشنویسی و نگارگری تاثیر زیادی در حفظ و تدوام هویت ایرانی داشت. گردآوری هنرمندان خطاط و نقاش از سرزمین ها مختلف در هرات و سمرقند، و حمایت های مادی و معنوی از آنان نه تنها موجب ابداع سبک های جدید هنری در خطاطی و نقاشی شد، بلکه هر کدام از خطاطان و نقاشان از طریق نسخه برداری از کتب ادبی، تاریخی و دینی و مصور ساختن آنها در حفظ و تداوم هویت تاریخی ایران باستان و ایران دوره اسلامی تاثیر گذار بوده اند. هنر مندان از طریق تالیف آثار هنری در آموزش خط و نقاشی و شرح افسانه ها و داستانهای ایرانی در آثار خود موجبات ماندگاری هویت فرهنگی ایران در حافظه تاریخی ایرانیان را فراهم نمودند.

در خصوص هویت ملی در هنر دوره تیموری وحید عابدین پور و معصومه سمایی در مقاله ای تحت«ععل تحول خوشنویسی و پیوند آن با هویت ایرانی در دوره تیموری» به تبیین علل حمایت شاهزادگان تیموری از خوشنویسان و کاربردهای خوشنویسی در این دوره پرداخته که بحث هایی خارج این موضوع بحث مقاله حاضر است. وحید عابدین پور و ابئالحسن فیاض انوش و فریدون الهیاری در مقاله ای تحت عنوان:«پیوند خوشنویسی و تشیع در عصر تیموریان» به بررسی اسامی، القاب و اذکار ، اشعار و آثار شیعی که از سوی خطاطان نوشته شده مورد بررسی قرار گرفته است اما در خصوص نقش خطاطان و نقاشان دوره تیموری در حفظ و تدوام هویت ایرانی و اسلامی کار مستقلی صورت نگرفته است. نقش خطاطان و نگارگران دوره تیموری در حفظ و گسترش هویت ایرانی و اسلامی موضوع بحث این مقاله است. با توجه به این که دوره تیموریان از نظر حفظ فرهنگی از اداوار مهم تاریخی ایران محسوب می شود و در این دوره سبک های هنری در هرات شکل گرفت و هر کدام از هنرمندان رشته های مهم هنری به ابداع روش های نوین هنری پرداخته و برجسته ترین آثار هنری را خلق کردند. پرداختن به این موضوع که هنرمندان تیموری چگونه به حفظ و تداوم هویت ایرانی و اسلامی کمک کردند هدف این پژوهش است. با توجه به این که هنرمندان دوره تیموری اغلب ادیب و اهل قلم بودند آنچه خطاطی و نقاشی می کردند بیشتر کتب ادبی و دینی بوده است، در هر کدام از آنها هویت ایرانی و اسلامی تبلور یافته است نظیر شاهنامه فردوسی، گلستان و بوستان سعدی، دیوان خواجوی کرمانی، خسمه نظامی گنجوی و... هرکدام معرف سنن، فرهنگ و هویت ایرانی و اسلامی هستند. هنرمندان این کتب را نسخه برداری و نگارگری می کردند و از این طریق موجبات حفظ و گسترش هویت ایرانی را فراهم ساختند.

**نقش هنرمندان خطاط**

خط یکی از ابزارهای مهم شناخت فرهنگ و تمدن اقوام گوناگون و ثبت و انتقال اندیشه های انسانی است. با رواج و تکامل خطوط ایرانی نظیر نستعلیق، تعلیق و شکسته تعلیق که توسط هنرمندان ایرانی در دوره تیموری انجام گرفت، خطوط کوفی و معقلی، ثلث و نسخ، محقق و ریحان، رقاع و توقیع تا حدودی به حاشیه رانده شدند(عابدین پور، 1389). خطاطان با در اختیار داشتن کارهایی دیوانی و منشی گری و نیز کار در کتابخانه های دربار، نوشتن فرامین و فتح نامه، نسخه برداری از کتاب هایی که در فرهنگ جامعه ایران آن روز رواج داشت نه تنها حاکمان تیموری را به هنر خود وابسته کردند بلکه نمونه های هنر ایرانی را به خارج از قلمرو تیموریان نیز صادر نمودند. با توجه به محتویات ظفرنامه یزدی می توان نتیجه گرفت که خطاطان عضو ثابت افراد حاضر در جنگ ها بودند چراکه مسئول ضبط اخبار جنگ بودند.

بپرداخت منشی صاحب هنر بسی نامه در باب فتح و ظفر

رقم زد بسی داستان شریف به خطی لطیف وادای ظریف (یزدی، 1387،ج1)

آنان علاوه بر ضبظ وقایع جنگ ها، پیروزی سلاطین تیموری در جنگها را به نام فتح نامه به کشورهای همسایه و ممالک محروسه و جاهای دیگر می فرستادند(همان) همچنین بیشتر آن ها در عرصه کتاب آرایی و امور مربوط به کتابخانه فعال بودند. هنرمندان خوشنوس و نگارگر و تذهیب کار با آراستن کتاب ها، اسباب تعلیق مردم به دانش و فرهنگ فراهم می ساختند(مایل هروی،1372).

خوشنویسانی مانند جعفر تبریزی شاگردان زیادی تربیت نمود شاهزادگان و خواجه زادگان در نزد او هنر خطاطی می آموختند(رفیقی هروی،تعلیقات،بی تا). او از پذیرفتن شاگردان بی بضاعت نیز خود داری نمی کرد، به کسانی چون عبدالله آشپز تعلیم خط می داد و در پی تلاش های جعفر تبریزی، این آشپز زاده، به خطاط مشهور دوره تیموری تبدیل شد و بعد از فوت استاد جانشین او گردید(همان).

تعدادی از هنرمندان مدارسی مخصوص آموزش ایجاد کرده و به فعالیت می پرداختند. سیمی نیشابوری دردوره بایسنغرمیرزا در مشهد و نیشابور مکتبی خصوصی برای آموزش خوشنویسی دایر نمود(دولتشاه سمرقندی،1385). معین الدین محمد اسفزاری هم در هرات از معلمان بزرگ خط تعلیق بود(خواندمیر، 1387، ج4).

ورود به بازار کار اعم از کارهای دیوانی وغیر دیوانی مشروط به گرفتن مجوز خوشنویسی ازطرف مراکز و نهادهای آموزشی این هنر بود که تحت نظام استادی شاگردی به تعلیم علاقه مندان می پرداختند. استاد بر حسب رضایت از کار شاگرد، وابستگی خانوادگی، استعداد، ذوق، مجوز فعالیت هنری به وی می داد. این گواهینامه به نام های اجازت نامه و اهلیت نامه هم خوانده می شد و به شخصی که اصول خط را فرا گرفته و تند نویس نیز بود، اعطاء می گردید(اسفزاری،1339).

استادان خطاط همپای آموزش دانشجویان، اقدام به تألیف کتاب و رساله های هنری نیز می کردند تا هنر خود را زنده نگه دارند. این رساله ها بیان کننده نکته های فنی مربوط به خط، کتابت، قلم و دیگر ادوات خط بود که به روشنی همه اسلوب این هنر را بیان می کرد، تا درصورت نبود استادان هنرجویان ازآن ها استفاده کنند و بدین طریق هنرخوشنویسی ایرانی حفظ شود. دراین خصوص رساله های صراط السطور نوشته سلطانعلی مشهدی(مایل هروی،1372) و مدادالخطوط تالیف میر علی هروی(همان87) و رساله ای دربیان کاغذ مرکب الوان و خط اَومَل تألیف رضی الدین محمد حسن قزوینی(همان)از نمونه های بارز این آثار می باشند.

مجنون رفیقی در رساله خط خود دلیل نوشتن آن را ترس از فراموش شدن هنرش و انتقال آن به دیگران بیان می کند(رفیقی هروی،بی تا:3). گذشته از آن افرادی مانند سلطانعلی مشهدی و میر علی هروی، علاوه بر خطاطی از شاعران معروف نیز بودند و برای تعلیم هنر خود از قالب شعر استفاده نموده اند و با این کار در عین حال، هم روش آموزش و یادگیری را برای هنر آموزان و خوانندگان رسالات خود جذاب تر کرده اند و هم دست به اقدامی بزرگ برای حفظ ادبیات فارسی در باب نظم پرداخته اند. ابیات زیر نکات اخلاقی و تربیتی است که سلطانعلی در رساله صراط السطور خود آورده است :

ترک آرام خواب باید کرد وین زعهد شباب باید کرد

سربه کاغذ چوخامه فرسودن زین طلب روزوشب نیاسودند

زآرزوهای خویش بگذشتن وز ره حرص وآزبرگشتن

نیز با نفس بد جدل کردن نفس بد کیش رازدن گردن

(مایل هروی،1372)

ازمیان خطاطان کسانی نیز بودند که به هنر پدران خود احترام گذاشته و نه تنها آن را ادامه دادند بلکه به گسترش آن هنر نیز پرداختند و در این راه حتی دست به ابداعاتی نیز زدند. مجنون رفیقی نمونه از این دسته هنرمندانی است در مدرسه سلطان حسین بایقرا که قبل از آن پدرش(محمود رفیقی)، به تعلیم و تربیت هنرجویان می پرداخت. او در کنار تعلیم به گسترش خط نیز همت گماشت و"خط چپ" را به نهایت اوج خود رسانید وهم زمان به ایجاد خط "توأمان" که خطی برخاسته از خطوط معکوس (خط وارونه، خط باژگون، خط چپ) وخط غیر معکوس است، پرداخت(همان)

مجنون رفیقی در ابیات زیر به ابداع این خط اشاره کرده است :

توأمان مخترع مجنون شد کز قلم چهره گشائی ها کرد

تا شدم مخترع صورت کش خطکم صورتکی پیدا کرد(سام میرزا، 1314 )

برخی از خطاطان نظیر حافظ محمد در شش قلم خط می نوشت. او منصب خطیب و شیخ خانقاه وائمه جماعت مساجد هرات قرار داشت(خواندمیر،1372). عده ای از خوشنویسان بدون در نظر گرفتن مقام دولتی خود، همواره درکنار مردم عادی نیز به فعالیت هنری می پرداختند. سلطانعلی از جمله از دسته هنرمندانی است که کتیبه ای به خط او برسر در حمام خلیل نیزه چی مشهد باقی مانده است که بر روی آن توصیه های بهداشتی و دینی برای مردم نوشته است(واصفی، 1350، ج2).

خطاطان تیموری تلاش می کردند تا درآثار خود مصادیق اسلامی و یا تشیع را که از مؤلفه های هویت ایرانی بود، بکار گیرند. احادیثی که درقالب کتیبه ها، نسخ خطی، رساله ها، مرقعات، دیوان اشعار، تک نگاری ها، خوشنویسی شدند، مانند نسخه شریف "صد کلمه"امام علی (ع) که شامل مجموعه احادیث و اندرزهاست، بارها دراین دوره با سبک های متنوع کتابت شده، یکی از نسخه های آن توسط کاتب مشهور زین العابدین محمدالکاتب با خط نسخ و ثلث همراه با ترجمه منظوم نوشته شده که حاوی 26 حدیث از پیامبر(ص)است. درهمین زمینه مجموعه "چهل کلمه" امام علی نیز ازسوی عبدالرحمن جامی(ف،898ه) به نظم درآمد این اثر بارها تا اواخرعصر تیموری کتابت شد(عابدین پور،1394).

شیخ کمال سبزواری از خطاطان دوره تیموری است که به نوشته منشی قمی همیشه به کتابت کلام الله مجید و ادعیه دوازده امام شیعیان اشتغال داشته و کتیبه های درون حرم امام رضا از دوره تیموری منسوب به اوست(قاضی قمی، 1352).

بیشتر نسخ خطی باقی مانده از دوره تیموریان مربوط به خوشنویسان مکتب امروزه مزین بخش گنجینه های موزه ها و کتابخانه های دنیاست که هر کدام معرف هویت ایرانی و اسلامی است. بوستان سعدی به خط سلطان علی مشهدی نسخه برداری شده در سال 899 هجری، موجود در کتابخانه مخطوطات آکادمی علوم جمهوری آذربایجان و نسخه خطی خسرو شیرین نظامی گنجوی به خط علی حسینی مربوط به سال 922 هجری و شاهنامه فردوسی به خط محمد هروی مربوط به سال 931 هجری و نسخه دیگر به خط محمد بن جلال الرشید مربوط به سال 849 هجری موجود در موسسه شرقیات آکادمی علوم شرق روسیه(شوروی سابق)( حبیبی، 2535) همه این آثار تجلی بخش هویت ایرانی هستند.

در کتابخانه توپقاپو سرای استانبول 75 نسخه خمسه نظامی موجود است یکی از این نسخه ها به خط فخرالدین احمد است که در سال 881 هجری برای اوزون حسن آق قوینلو خطاطی و تزئین شده است و نسخه ای دیگر به قلم عبدالرحمن یعقوبی و سلطان علی مشهدی می باشند که در سالهای 886 و 900 هجری نسخه برداری شده اند(همان).

از آثار مذهبی دوره تیموریان کتاب معراج نامه است که در کتابخانه ملی پاریس نگداری می شود که در سال 840 هجری در هرات از سوی خطاطان و نقاشان تهیه شده است(همان).

حفظ هویت ایرانی برای خطاطان چنان اهمیت داشت که گاه در کنار خطاطی به کارهای دیگر ازجمله قصه خوانی در دربار نیز می پرداختند. بعضی ازآنان در ضمن قصه خوانی اهداف و مقاصد مذهبی و عقیدتی خودشان را نیز تبلیغ می کردند. آنان بیشتر به جنبه های ادبی وافسانه ای شغلشان توجه داشتند(مایل هروی،1372).

در هرات بعد از شاهرخ و بایسنقر میرزا هر چند خطاطان کارگاهها و کتابخانه های سلطنتی را ترک کردند اما دست از اقدامات فرهنگی برنداشتند. برخی ازاین هنرمندان به مشاغل تجاری روی آوردند و به تکثیر کتاب های خطی پرداختند. این روش در کارگاه های تجاری شیراز، نزدیک به دویست سال ادامه یافت. در بین کتاب های خطی که در این زمان نسخه برداری شده، شاهنامه فردوسی بیشتر رواج بیشتری داشت(سودآور،1380)

خطاطان به عنوان مدیران فرهنگی جامعه در انتقال میراث فرهنگی گذشته، دفاع از فرهنگ ملی و غنی سازی هویت ایرانی از طریق پیوند آن با خطوط جدید نقش مهمی ایفا کردند(عابدین پور،1389). آموزش خوشنویسی، تربیت هنر آموزان، ترویج فرهنگ هنر دوستی از عمده ترین کارکردهای فرهنگی خطاطان این دوره بوده است(اصفهانی،1369).

**نقش هنرمندان نگارگر**

هنرمندان نگارگر این دوره نیز همپای خطاطان عصر در گارگاه ها مشغول به کار بودند، با این تفاوت که ارتباط نزدیک صنعت مینیاتوری با کتاب آرایی باعث شده بود که میدان هنر آفرینی این قشر محدود گردد. عمده ترین کارها بر عهده خطاطان باشد. اگرچه سهم نقاشی هم مهم بود ولی مینیاتوریست ها هیچگاه با خطاطان در یک رده نبودند(پوکا چینکوا ،1357).آنان مجبور بودند تصاویری معین با چارچوب ویژه ای را ترسیم کنند و فقط در تعیین اندازه نقاشی آزادی عمل داشتند با این وجود هنرمندان نگارگر همواره تلاش می کردند برای تقویت این هنر(مینیاتور)به طور دائمی با دیگر مراکز مهم از قبیل تبریز و شیراز ارتباط برقرار کنند. گاه برای آگاهی از پیشرفت این مراکز تبادل استاد صورت می گرفت و می توان گفت که یک نوع رقابت هنری دوستانه بین اعضای این صنف وجود داشت(همان). در این دوره هنرمندان نگارگر تلاش کردند تا اندکی از مسائل درباری فاصله گرفته و به مسائل اجتماعی بپردازند. تا آن زمان هنر مینیاتور و کتاب آرایی در خدمت دربار و سیاست های حکومت بود ولی به مرور زمان، با آزادی و اختیاری که هنرمندان کسب کردند مسائل اجتماعی و زندگی روزمره ایرانی را نیز وارد جریانات هنری نمودند. این خود به نوعی صورتی از ابداعات، تغییر و تحول در هنر و از جمله شاخصه های آثار هنری این زمان بود که دراین خصوص مینیاتورهای کمال الدین بهزاد بسیار شهرت دارد. آداب و رسوم ایرانی نحوه پوشش ایرانیان، اوضاع بد اقتصادی، چهره مذهبی، از نگاره هایی بوده، که درمینیاتورها ترسیم می شد. درواقع در این دوره هنر به طرف گسست از فرهنگ ترک –مغولی و پیوند بیشتر با هویت ایرانی پیش رفت. هنرمند ایرانی توانست تا با نسخه برداری از کتاب هایی چون شاهنامه فردوسی و کشیدن قهرمانان اسطوره ای هویت کم رنگ شده ایرانی را بار دیگر پررنگ کند. در این دوره هر چند تصاویر به سبک مغولی ترسیم شده است، درتصاویر پادشاهان اسطوری ایران، آداب و رسوم، تزئینات درباری، به شیوه مغولی است. ولی درونمایه آن ها، قصه قهرمانی، دلاوری و پاک نهادی ایرانیان باستان، شوکت و عظمت پادشاهان کهن ایرانی می باشد که در قالب رنگ و نقش مغولی نام اسطوره های ایرانی را جلوه داده اند. نگارگران دوره تیموری بخصوص در دوره سلطان حسین بایقرا دریافته بودند که می توانند با وارد کردن مسائل اجتماعی درهنر خود رنگ و بوی ایرانی بیشتری به آثار خود بدهند. آنها می دانستند که«درزندگی بشری هیچ واقعه ای نیست که در خور تجسم در پرده نقاشی نباشد» اما این هنر هنگامی جهت ترقی و تعالی می یابد که به تصاویر حقیقی زندگی انسانی و حقایق حیات بشری بپردازد وآنگاه مناظر مختلف و متنوع صحنه های عالی اجتماع را با چیره دستی و مهارت فنی که در اختیار دارند، جلوه دهد(بنوال،1359).

در نگارگری این دوره طرز آداب و سنن ملی و نیز کلیه مظاهر مدنیت مربوط به آن تأثیر مستقیم و جدی داشت. نگارگران در دربار سعی کردند تا علاوه بر برآوردن خواسته های حامیان درباری، ویژگی های فرهنگ ایرانی را نیز به آثار این دوره تزریق کنند نمونه های آن را می توان در نسخه مشهور معراج نامه دوره شاهرخ مشاهده کرد. مسئله جالب در مینیاتورهای معراج نامه این است که در آن ها دربار و مجالس اشرافی ارائه نشده است بلکه بطور عمومی از افسانه های مردم الهام گرفته شده است(پوکاچیتکوا،1357).

بعضی از نقاشان این دوره تلاش کردند تا آثار بوجود آمده توسط معاصران خود را با حفظ هویت ایرانی و تأثیر آن در جامعه نشر دهند و به این ترتیب دست به حمایت هنری از ادبیات ایرانی بزنند. قاسم علی چهره گشا از این دسته هنرمندان بوده است که با شوق زیاد آثار جامی را نقاشی می کرد و اسطوره های شعر او را بر روی نقاشی زنده می ساخت(همان). نگارگران از حکایت ها و افسانه های مردم الهام گرفته و از طرفی همان کلیاتی را که در جامعه رواج داشت، تعقیب می کردند(همان).

هنرمندان نگارگر تیموری در میتیاتورها نه تنها در زنده نگه داشتن قهرمانان واساطیر بلکه در جاودان ساختن زندگی اجتماعی و حیات روزمره مردم آن زمان نیز نقش مهمی ایفاء کرده و به عینه هویت و فرهنگ ایرانی را برای آینده گان در قالب تابلو انعکاس داده اند. در این تصاویر نوع پوشش مردم و وسایل مورد استفاده روزمره از فرش های زیر پایشان گرفته تا ظروف فلزی نقش دار و سفالی و وسایل کار و...را می توان پیدا کرد که در آنها نگارگران با خلق آثاری بدیع تلاش نمودند همت مردمان ایران را به تصویر بکشند همتی که پایه های فرهنگ ایرانی در عرصه کار و تلاش آن ها ریشه دوانده و شکل گرفته بود. خواجه علی اره گر اصفهانی از جمله آن هنرمندان بود که با نهایت ذوق هنر مینیاتور را نه بر کاغذ، بلکه روی شیشه پیاده می کرد(نوائی،1379) .

در آثار هنری زیبای نگارگران این دوره می توان نقاشی در کتابها و هم زمان در گلدسته، محراب و گنبد مساجد و یا در سطح کاشی های معرق و هفت رنگ مشاهده کرد. نگارگران حتی با به تصویر کشیدن آثار معماری موجود تلاش کرده اند هنر معماری ایرانی را نیز وارد هنرهای ظریف کنند، چه بسا با این روش علاوه بر زنده نگه داشتن هنر معماری ایرانی، سبک های معماری این دوره را به دوره های بعدی نیز انتقال دادند.

هنرمندان این دوره چه خطاطان و چه نقاشان و چه معماران دست به دست هم دادند، افسانه ها، اساطیر، آرزوها، خواسته ها، درد ها، الام، شادی ها و غم های مردم این دوره را به عرصه هنر کشیدند و با این کار خود نیز به اسطوره های فرهنگ ایرانی تبدیل شدندکسانی مانند کمال الدین بهزاد که نگاره هایش دنیای از صحنه های هویت ایرانی است. بهزاد خود سخن نگفت ولی با هنرش تمام دنیا شاهد سخنان او بودند. او به خوبی اوضاع اجتماعی و فرهنگی مردم ایران دوره تیموری را به عالم نشان داد. در نگاره های او با دیدن چهره ی انسان های غمگین، غم بر چهره نقش می بندد. با دیدن شادی کاراکترها شاد می شود.

هیجان زندگی و تکاپو برای حیات، با هم بودن، خلوص برای خدا و پاکی عبادت و دستگیری از همنوع، همه و همه در نگاره های بهزاد مصور است. گاه سردی توجه کاذب وگاه عشق آسمانی و رقص دل ها و از خود بی خودی برای معبود، هیجان شکار، احساس عجز، شجاعت مقابله با خطر، تند و تیزی برای نجات جان، عظمت تاج وتخت پادشاهان، صنعت صنعتگران، طبیعت که به تماشای انسان ها نشسته، درختان سربه فلک کشیده، کوه ها وتپه های بلند در کنار هم وگاه صحنه جان دادن مردی بزرگ که طبیعت نیز برایش غمگین است، همه در نگاره های او منعکس شده اند اگر چه هنرمند نگارگر برتن رستم دستان ایرانی لباس رزم مغولی پوشانده است ولی درکنار آن همت وقدرت نفس ایرانی را نیز به تصویر کشیده است. اگرچه بر پادشاه اسطوره ای چهره مغولی داده است ولی به همراه آن عظمت پادشاهان ایرانی را نیز جاودان ساخته است وتلاش کرده تا هویت همه آن ها را برای بیننده بازگو کند. هویت ایرانی ریشه در اسطوره هایی دارد که هزاران سال پیش نیاکانشان آن ها را خلق کردند و استمرار بخشیدند. داستان های حماسی درباره پادشاهان و پهلوانان آرمانی ایرانیان چون کیخسرو وگرشاسب، آرش ورستم، در تاریخ ایران، پشتوانه های فکری و معنوی نیرومندی بود که همبستگی ایرانی را تقویت می کرد(خطیبی،بی تا). شاهنامه منبعی غنی از میراث مشترک ایرانیان است،که هویت ایرانی را در بستر حکومتی یکپارچه به لحاظ سیاسی و دینی به نمایش می گذاشت و بعد از نوشته شدن بر روی کاغذ این هویت نمایی در بستر فرهنگی و ادبی و هنری استمرار یافت و ایرانیان شاهنامه را چون شناسنامه ملی خود حفظ کردند(همان:75). دوره تیموری با غلبه حکام ترک-مغولی هنرمندان در کتابخانه های دربار به حمایت حامیان مغولی دست به نسخه آرایی این کتاب زدند. برای اولین بار این کتاب توسط دستان توانای خطاط مشهور جعفر بایسنقری در سال(822-823ه)در کتابخانه شاهزاده بایسنقرمیرزا در هرات کتابت شد(بنووال،1359) و جایگاه بلندی در میان گنجینه های این شاهزاده یافت که در کنار آن برای هنرمندان ایرانی نیز انگیزه ای شد تا دست به کتاب آرایی های دیگر از این نسخه و نسخه های کتاب های ادبی فرهنگ ایرانی بپردازندکه می توانیم آن را یک نوع جنبش ادبی برای حفظ هویت ایرانی نیز بنامیم ، چرا که این دوره با وجود نسخه های خطی که به جا مانده رنگ زیبای ماندگاری هویت ایران زمین را به تصویر کشیده است. نگاره های خواجه غیاث الدین نقاش در شاهنامه بایسنغری(حبیبی، 2535)) زینت بخش این کتاب است که مطابق با مضامین ادبی در صفحات مختلف آن ترسیم نموده است.

در موزه هنرهای زیبای پاریس دو تابلوی نقاشی بسیار زیبا از ملاقات همای و همایون در باغ های کاخ شاهی چین ترسیم شده است که از شاهکاریهای نقاشی غیاث الدین نقاش است(همان). امروز در اغلب موزه ها و کتابخانه ها و مراکز فرهنگی دنیا نمونه هایی از نگاره های هنرمندان تیموری را می توان مشاهده کرد اغلب آنها هویت ایرانی را به نمایش می گذارند. از جمله در کتاب هفت پیکر نظامی گنجوی که در موزه مترو پولتین نیویورک نگاره هایی از مناظر زیبای شکار منسوب به کمال الدین بهزاد و دو تصویر از روح الله میرک استاد بهزاد مربوط به مکتب هرات در اواخر دوره تیموریان دیده می شود(همان).

نمونه دیگر از آثار نگارگران تیموری را در نسخه خمسه نظامی موجود در موزه بریتانیا که تصاویرآن از آقامیرک هروی، سلطان محمد، میرزا علی، مولانا مظفر علی و میر سید علی از شاگردان بهزاد در هرات(همان) می توان دید همگی هویت ایرانی را به نمایش گذاشته اند.

نسخه های مصور گلستان و بوستان سعدی که در کتابخانه بایسنقر(830ه) و با کتابت جعفر بایسنقری است(محفوظ درمجموعه چستربیتی)، یا خمسه امیر خسرو دهلوی (890ه)(آرشیفت ملی کابل) به خط محمدبن اظهر، خمسه نظامی (900ه) و تحفه الاحرار جامی(886ه)(در کتابخانه نسخ خطی کابل)(همان)، همه و همه نمونه هایی ماندگارند که زمانی آلبوم هنری دربار تیموری را تکمیل می کردند و حال مجموعه گنجینه های موزهای مشهور جهان را ارزش و بهاء بخشیده اند و درکنار آن زبان گویای هنرمندانی هستند که خود خاکی شدند ولی نامشان و هنرشان باقیست و باقی خواهد ماند. هنرمندان دوره تیموری در عرصه هنر ایرانی تلاش های بسیاری برای حفظ و تداوم هویت ملی انجام دادند و حال با وجود آثار به جا مانده از آن ها می بینیم که خود آنها نیز مجموعه ای از اعضایی تشکیل دهنده همین هویت ایرانی هستند. همه آنچه که درمیان این صفحات بیان گردید، اندکی از بسیار است که نیاز به تجسس وبررسی زیادتر را می طلبد تا حق کلام گفته شود.

**نتیجه**

هنر از جمله دستاورهای فرهنگی ایرانیان بود که در طول تاریخ سیر توسعه خود را طی کرده است. دوره تیموریان از ادوار مهم توسعه هنری محسوب می گردد. مکتب هنری هرات بخاطر ظهور خطاطان و نقاشان برجسته ای مانند سلطان علی مشهدی و کمال الدین بهزاد شهرت یافته است. آثار هنری و فرهنگی که خطاطان و نقاشان ایرانی در دوره تیموریان در هرات و یا سایر مراکز هنری مانند شیراز، اصفهان و سمرقند ابداع کردند امروزه بخش عمده ای از آنها در موزه های دنیا نگهداری می شود. تعداد زیادی از این آثار هنری نسخه های خطی از کتب ادبی ایرانی می باشد که ادبیات داستانی و حماسی ایران باستان و یا تاریخ فرهنگی و مذهبی ایران دوره اسلامی در آنها تبیین شده است. نگاره هایی که در ایران آثار ترسیم شده داستانهای حماسی، رزمی، بزمی و یا مذهبی را بیان می کنند همه آنها جزء هویت فرهنگی ایرانیان محسوب می شود. می توان گفت نسخه های خطی باقی مانده در موزه ها مانند شاهنامه فردسی، کلیله دمنه، گلستان سعدی و... هویت فرهنگی و مذهبی ایرانیان را در دنیا معرفی می کنند چرا که در اغلب این آثار صحنه های بزمی و زرمی، عاشقانه و داستانهای مذهبی نقاشی شده و یا رویداد های تاریخی شرح داده شده اند. بنابر این تیموریان خواسته و یا ناخواسته از طریق حمایت از هنرمندان شرایط لازم را برای توسعه انواع هنر ها در این دوره فراهم کردند. هنرمندانی که در خدمت تیموریان بودند موجبات حفظ و تداوم هویت فرهنگی ایرانی را مهیا ساختند.

**منابع**

اسفزاری، معین الدین محمد، 1339، روضات الجنان اوصاف مدینه هرات، تصحیح محمدکاظم امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

اصفهانی،میرزا حبیب1369، تذکره خط وخطاطان؛به انضمام کلام الملک ،ترجمه رحیم چاووشی اکبری،تهران، انتشارات کتابخانه مستوفی

بنووال،محمد افضل،1359، مکتب بهزاد،کابل، انتشارات پوهنتون

پوکاچیتکوا،گالینه،1357، تاریخ صنایع افغانستان،مترجم محمد صدیق طرزی، کابل

حبیبی،عبدالحی، 2535، هنر عهد تیموریان ومتفرغات آن،کابل، انتشارات بنیان فرهنگ ایران

خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین،1380، تاریخ حبیب السیر، جلد 4، با مقدمه جلال الدین همائی، تهران، نشرخیام

خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین، 1372، مآثر الملوک، تصحیح میر هاشم محدث، تهران، انتشارات رسا

رفیقی هروی، بی تا، رساله های خط، به کوشش، رضا مایل،کابل

دولتشاه سمرقندی، 1385، تذکره الشعراء، با مقدمه و تصحیح و توضیح فاطمه علاقه،تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سودآور، ابولعلاء،1380، هنردربارهای ایران، ترجمه ناهیدمحمد شمیرانی، تهران، :نشرکارنگ

صفوی، سام میرزا، 1314، تحفه سامی، تصحیح وحید دستگردی، تهران، ارمغان

عابدین پور،وحید، جایگاه خوشنویسی وخوشنویسان در جامعه عصر تیموری، مطالعات اسلامی، :تاریخ فرهنگ، س42، ش84، بهار و تابستان 1389، 141-170

مایل هروی، نجیب،1372،کتاب آرایی در تمدن اسلامی،مشهد، انتشارات آستان قدس

منشی قمی، قاضی احمد،1352، گلستان هنر، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

نوایی،عبدالحسین،1379، رجال حبیب السیر، تهران، نشر انجمن آثارفرهنگی

واصفی، زین الدین محمود،1350، بدایع الوقایع، تصحیح الکساندربلدوروف، ج 2و1،تهران، انتشارات بنیادفرهنگ

-یزدی،شرف الدین علی،1387، ظفرنامه ،به کوشش عبدالحسن نوایی،جلد 2و1، تهران، مرکزاسنادمجلس شورای ملی

1. [-vali\_dinparast@yahoo.co](mailto:-vali_dinparast@yahoo.co)m 1-دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز [↑](#footnote-ref-1)